سه‌شنبه ۱۷ اردیبهشت ۱۳۹۸، اول رمضان ۱۴۴۰، ۷ مه ۲۰۱۹، سال شانزدهم، شماره ۴۳۶۰

اعتماد ۷

ظرفیت استراتژیک مهم‌ترین آبراه نفتی جهان

دست بالای ایران در تنگه هرمز

۱۱

چرا فیفا به پروژه‌های فوتبالی عربستان علاقه دارد؟

شمشیر عربستان در پیکر جام جهانی

۱۴

هنر آنلاین

گفت‌وگو با یوریک کریم‌مسیحی به مناسبت برپایی نمایشگاه اخیر عکس‌هایش با عنوان «سنگ و نمک»

کارگران همیشه در مرکز توجهم بوده‌اند

غزاله بداقی

درست همزمان با روز جهانی کارگر، تازه‌ترین نمایشگاه عکاسی یوریک کریم‌مسیحی با عنوان «سنگ و نمک» به کیوریتوری فرشید پارسی کیا در گالری دنا افتتاح شد. مجموعه جدید این هنرمند که با محوریت کارگران ایرانی و شرایط کاری آنها به ثبت رسیده، حاصل سفرها و تفحص او در معادن، کارخانه‌ها و کارگاه‌های مختلف است. این روزها اگر به گالری دنا سر بزنید می‌توانید از تجربه پشت ثبت هر عکس از او بپرسید و داستان‌های زیادی درباره‌شان بشنوید. کریم‌مسیحی علاوه بر عکاسی، سال‌هاست که به نویسندگی نیز مشغول است. در این گفت‌وگو از فعالیت‌های این روزهایش شنیدیم. از ایده‌های جدیدش برای عکاسی تا کتاب‌هایی که در دست چاپ دارد.

■ **نمایشگاه شما درست همزمان با روز کارگر افتتاح شد.**

بله، به‌اصرار من چهارشنبه یازدهم اردیبهشت همزمان با «روز جهانی کارگر» نمایشگاه افتتاح شد. معمولا رسم گالری‌ها بر این است که روزهای جمعه افتتاحیه داشته باشند، اما این اولین بار در «گالری دنا» بود که به دلیل اهمیت ویژه این مناسبت برخلاف سنت معمول عمل شد.

■ **از کارهای قبلی‌تان برای این نمایشگاه انتخاب کردید یا مشخصا برای این نمایشگاه عکاسی کردید؟**

این مجموعه را برای همین مناسبت بخصوص، یعنی روز جهانی کارگر در پاییز و زمستان گذشته عکاسی کردم. همه عکس‌ها جدید هستند و با اینکه تعداد عکس‌ها از حد معمول خیلی بیشتر است، یعنی ۶۲ قطعه عکس، اما تعدادی عکس دیگر را به دلیل محدودیت جا از نمایشگاه بیرون گذاشتیم. هر چند همین ۶۲ عکس هم برای یک نمایشگاه زیاد است اما دلم می‌خواست لحظات بیشتری از زندگی کارگر را نشان بدهم.

■ **ایده اولیه نمایشگاه چطور در ذهن شما شکل گرفت؟**

کارگران همیشه در مرکز توجه من هستند. هم کارگر به عنوان انسان و هم انسان به عنوان کارگر. این میزان حق‌کشی، پایمال کردن حقوق و ظلمی که در آنها اتفاق می‌افتد برای من همیشه بسیار دردناک است و من را به این فکر فرو می‌برد که نباید دست روی دست بگذارم. کاری که من می‌توانستم بکنم همین بود که کردم. من آدمی فرهنگی‌ام و طبیعتا کار فرهنگی می‌توانم بکنم. امیدوارم کارم تاثیر گذار بوده باشد.

■ **و کارهای شما هم که نگاتیو هستند؟**

نه، این بار دیجیتال عکاسی کردم. هیچ تعصبی روی آنالوگ یا دیجیتال بودن ندارم. دوربینی که این بار با آن عکاسی کردم دوربین نازلی بود، از آنهایی که جوان‌ها احتمالا نگاهش هم نمی‌کنند. اما از نتیجه هم راضی‌ام؛ چرا که دوربین برای من عاملی چندان تعیین کننده نیست.

■ **برای برگزاری این نمایشگاه فرآیندی پژوهشی هم داشتید؟**

پژوهش در این مورد و موضوع در همه عمرم اتفاق افتاده است. من همه عمرم به این موضوع توجه کرده‌ام چون پدرم کارگر بوده و در یک خانواده کارگری به دنیا آمدم. وقتی انقلاب شد من ۱۴ سال داشتم، یکدفعه با یک حادثه بزرگ و رویای محقق شدن عدالت روبه‌رو شدم. عدالت و بی‌عدالتی برای من مهم بود و اولین جایی هم که این مساله خودش را نشان می‌دهد در بین کارگران و طبقه آنهاست. دوست داشتم از کارگران معدن زغال‌سنگ عکاسی کنم که نشد، ماند برای بعد، همچنین دوست داشتم از زنان کارگر بیشتر عکاسی کنم که فقط یک جا محقق شد.

■ **همان گوشه از نمایشگاه که عکس‌هایی از کارگران خانم یک کارگاه را می‌بینیم.**

بله، فقط آنجا محقق شد. بقیه عکس‌ها از کارگران کارهای سخت‌تر با شرایط ناامن و نامطلوب برای زنان است.

■ **تعدد لوکیشن داشتید؟**

بله به‌شدت. عکس کارگران ساختمانی را در گوشه و کنار محل زندگی‌ام گرفتم. این روزها خانه‌های در حال ساخت، از خانه‌های ساخته شده که مردم توش می‌نشینند بیشتر است. از ساختمان‌ها در مجموع زیاد عکاسی کردم، ولی به لطف یک دوست به سمت گرمسار و سمنان هم رفتم تا از معدن سنگ و سنگ نمک هم عکاسی کنم. جاهایی بودند که شناختی از آنها نداشتم اما عکاسی از آن مکان و دیار انگار فراموش شده بیشتر به نفع من شد و برایم تبدیل به سفری مکاشفه‌ای شد.

■ **در این مکان‌ها چه چیزهایی توجه‌تان را به خود جلب می‌کرد؟**

ببینید من چه در نویسندگی، چه نوشتن برای عکس‌هایم چه در نحوه زندگی کردنم، همیشه خودانسان برایم محور بوده است. هیچ‌وقت عکسی نمی‌گیرم که آدم در آن وجود نداشته باشد. بنابراین اول و آخر خود کارگرها هستند. اما در دست آخر من دارم عکاسی می‌کنم، پس باید به آنچه برای خودم معیار و ارزش عکاسی تلقی می‌شود، و نه به طور سنتی و حتی آکادمیک، پایبند باشم.

■ **به زیبایی‌شناسی خودتان؟**

شاید دقیقا نتوانم بگویم زیبایی‌شناسی. مثلا در این نمایشگاه عکس‌هایی داریم که از نظر معیارهای عکاسانه، عکس‌های غلطی هستند، اما وقتی شما پا به جایی می‌گذارید و با شرایطی مواجه می‌شوید که همه‌چیز در آنجا غلط است، مناسبات و تناسب‌های کاری، بهداشت و امنیت، همه غلط است، کادر شما هم نمی‌تواند نسبت به واقعیت جاری در برابر دوربین بی‌تفاوت باشد. مثلا من در معدن نمک که عکاسی می‌کردم، تمام معدن پر از غبار نمک بود و آن غبار نه روی دوربین که داخل دوربین هم رفت، دقیقا توی دوربین! بنابراین اینکه شما باید سریع عکاسی کنید، باید جلب اعتماد کنید، صمیمی بشوید و همه اینها کار دارند. بنابراین یافته‌های معیارشده پیشین عکاسی لزوما همه‌جا کار نمی‌کند و درست درنمی‌آید. ما در تاریخ عکاسی عکس‌های زیادی داریم که هیچ‌کدام از معیارهای اثبات شده پیشین را رعایت نکرده‌اند اما عکس‌های خوبی هستند. از آن طرف عکس‌های زیادی هم داریم که تمام استانداردها را رعایت کرده‌اند اما چنگی به دل نمی‌زنند. بنابراین همه این قوانین نسبی است و من خیلی علاقه‌مندم آنها را زیر پا بگذارم. خیلی جاها هم نخواسته و تصادفی اتفاق می‌افتد. من اصرار دارم موقع عکاسی کردن در واقعیتِ جلوی دوربین دست نبرم و چیزی را به اصطلاح طراحی نکنم. کاملا یک چشم ناظر اما نامرئی باشم و اتفاقات را ثبت کنم. من خیلی شخصی کار می‌کنم، خیلی به احساس خودم موقعِ کار اعتماد می‌کنم و نتیجه‌اش هم لااقل خودم را راضی کرده که امروز روی دیوار است.

■ **در این جلسات عکاسی ارتباطی هم میان شما و کسانی که از آنها عکاسی می‌کردید، شکل گرفت؟**

راستش نه، چون کار من برای سوژه‌هایم اهمیتی نداشت. شناختی هم ندارند و اصلا برای‌شان مطرح نیست. بعضی‌شان موقع عکاسی اصلا به من نگاه هم نمی‌کردند، از بس که غرق در مکافات کاری خودشان بودند و یک غریبه‌ای که از شهر آمده از آنها عکس بگیرد برای‌شان ارزش نگاه کردن نداشت. با این حال علاقه‌مندم و اصرار دارم که به آنها نشان بدهم که با آنها فرقی ندارم یا حداقل بدانند که با آنها نزدیک و همدل هستم

■ **همان کارکرد یا رسالت رسانه؛ رساندن صدای افرادی که شاید شنیده نمی‌شوند.**

خود کلمه رسانه خودش را به این کار موظف می‌کند و قوانین و موادی از قانون کار کارگران را که من این‌جا کنار بعضی عکس‌ها به دیوار زده‌ام، قوانینی حامی کارگران است. جالب است که قوانین درست هستند اما در اجرا معکوس می‌شوند. یعنی قوانین جوری اجرا می‌شوند که به ضرر کارگر و به نفع کارفرما است. قوانین دایما کارفرما را موظف به انجام مسوولیت‌هایی می‌کند اما در عمل کارفرما به آنها گوش نمی‌کند و اجرای قانون هم عملا پشتیبان آنهاست. در عکس‌های گرفته شده هم می‌بینید؛ کارگر در معدن نمک کار می‌کند اما ماسک ندارد. هیچ‌نوع ایمنی و یا حتی دستکشی هم ندارد. برای همین است که رسانه، هنر یا عکس موظف است به جامعه پیرامون خودش توجه کند و این توجه را منعکس کند. عکاسی اینجا اصلا وظیفه ندارد زیبا باشد یا ادای نقاشی را دربیاورد. به نظر من در سال‌های اخیر و با حضور فضای مجازی، عکاسی به طور خیلی خیلی جدی و شدید به سمت بد فهمیده شدن و بد عرضه شدن رفته است. به همین خاطر هم در نمایشگاه قبلی و هم در همین نمایشگاه عکس‌هایی که به نظر خودم عکس‌های بهتری بود کمتر توجه دیگران را جلب کرد. عکس‌هایی توجه‌ها را به خودش جلب کرد که زیبایی بصری بیشتری داشتند یا به اصطلاح خوشگل‌تر بودند!

■ **از ابتدا این ایده که از قوانین و مواد حقوق کارگران به عنوان استیتمنت پای کارها استفاده کنید، در ذهن‌تان بود یا بعدتر شکل گرفت؟**

نه. دو تا از آخرین مواردی که به نمایشگاه اضافه شد یکی همین قوانین بودند و دومی هم پخش صدای کارخانه‌ها به جای موسیقی در فضای گالری. برمی‌گردم به دو سوال قبل‌تر شما درباره پژوهش. توجه به این قوانین در زندگی من همواره بوده هر چند خود این قوانین را مشخصا نمی‌شناختم، اما اجرا نشدن آنها را می‌دیدم. به همین دلیل این قوانین را در کنار عکس‌ها جای‌گذاری کردم.

■ **نقش کیوریتور در نمایشگاه شما به چه شکل بود؟**

خب، من خواسته خودم را با کیوریتور مطرح کردم که تعداد عکس‌ها زیاد باشد و طبعا اندازه‌ها کوچک با قیمت‌های پایین. خواسته‌ای که هیچ متعارف نبود. ایشان باطن موضوع را به خوبی درک کرده بودند و همراه شدند و ایده‌های خودشان را برای اجرا و برگزاری مطرح کردند. گالری‌ها اغلب دوست دارند کارهای کمتر و با ابعاد بزرگ‌تر باشند، کما اینکه در همین نمایشگاه هم چند نفری آمدند و گفتند عکس‌هامی‌توانستند بزرگ‌تر باشند اما به خاطر خودسوژه، دلم می‌خواست عکس‌های زیادی روی دیوار برود. کارگرانی از دسته‌های مختلف که هر کدام به یک شکل با مخاطب خود از هر سن و گروه و طبقه ارتباط برقرار کند.

■ **در مجموع فکر می‌کنید نمایشگاه به ایده اولیه شما توانسته نزدیک شود؟**

من اصولا آدم خوش‌بینی هستم اما در مورد چند و چون این نمایشگاه، که اصولا سابقه و پیشینه‌ای نداشت خوشبین نبودم، با این حال نتیجه نمایشگاه کمی از پیش‌بینی‌هایم بهتر هم شد. مطمئن بودم این عکس‌ها عکس‌های بفروشی نیستند. البته کارهایی فروخته شده اما در ۶۲ عنوان عکس، تعداد کارهای فروخته شده هیچ زیاد نیست. انتظار همین را هم نداشتم، چون داشتم یک کار فرهنگی می‌کردم. در جواب سوال شما که پرسیدید کیوریتور چه کار کرد باید بگویم کیوریتور اول از همه همراهی کرد، بعد دو سه تا عکس را که به مجموعه نمی‌خورد کنار گذاشت و بقیه را دسته‌بندی کرد. هر دیوار به یک مجموعه اختصاص داده شد و در کل نتیجه آرایش عکس‌ها روی دیوارها بسیار خوب و درست شد، من قطعا به تنهایی نمی‌توانستم چنین کاری را انجام دهم.

■ **از نمایشگاه کمی دور شویم، دسته‌ای از عکاسان معتقدند نباید در کنار عکس، متنی به عنوان توضیح داشته باشیم یا استیتمنت داشته باشیم، اما شما کسی هستید که در کتاب‌های تان برای عکس‌ها جستار نوشته‌اید یا اینجا کنار عکس‌ها قوانین را آورده‌اید.**

من خودم مخالف حضور و وجود استیتمنت هستم. این استیتمنتی هم که اینجا کار شده به بهانه نمایشگاه و به مناسبت روز جهانی کارگر است، نه توضیح برای بهتر فهمیدن عکس‌ها. استیتمنتی که قرار است به مخاطب بگوید این عکس‌ها چه چیزی می‌گویند یا نمی‌گویند، یا از کجا آمده‌اند، یا هر چیز دیگر، به نظر من در واقع دارند بخشی از کار بازدیدکننده را به عهده می‌گیرند نحوه نگاه کردن را به او تحمیل می‌کند. چند شب پیش خانمی اینجا آمد و درباره عکس‌ها از من سوال کرد، بعد گفت بهتر نبود توضیحاتی را که دادید کنار عکس‌ها می‌نوشتید؟ به او گفتم اگر استیتمنت وجود داشت دیگر شما سوال نمی‌کردید. اینکه شما فکر کنید و برای‌تان سوال پیش بیاید چیزی است که من می‌خواهم. من اینجا کنار عکس‌ها نه شعری نوشته‌ام و نه خاطره گفته‌ام. من موادی قانونی گذاشته‌ام که در واقع در تضاد با عکس‌هاست! این یک رویکرد انتقادی است. این انتقاد می‌تواند به هر کسی باشد، از یک کارفرما تا کارگری که حقوق خودش را نمی‌داند، او هم با این عدم آگاهی دارد در حق خودش ظلم می‌کند.

■ **در روند برگزاری این نمایشگاه با حساسیت یا مشکلی هم مواجه شدید؟**

نه. هیچ حساسیتی نبود. در واقع به طرز نگران‌کننده‌ای هیچ مشکلی این وسط پیش نیامد! هیچ‌کس از کسانی که انتظار می‌رفت هیچ اهمیتی نداد. راستش خیلی هم از این بابت که مشکلی پیش نیامد خوشحالم، زیرا به هر حال موضوع حساسیت‌برانگیز بود اما خوشبختانه یک کلمه هم نشنیدیم که کسی بخواهد دخالتی بکند یا چیزی بگوید. خیال هم نمی‌کنم در آینده چنین اتفاقی بیفتد، چرا که کار ما یک کار فرهنگی است.

ادامه در صفحه ۹

یادداشت

درباره حضور ایران در بی‌ینال ونیز

هنر دیوار دشمنی را فرو می‌ریزد

هادی مظفری

تردیدی نیست، بی‌ینال ونیز مهم‌ترین سکوی ارایه هنر پیشرو در دنیای معاصر است و از این جهت مایه مباهات است که ایران برای هشتمین‌بار در این آوردگاه جهانی هنر، که میلیون‌ها بازدیدکننده حرفه‌ای دارد، حاضر است.

شرایط دشوار و تنگناهای مالی و ارتباطی، همه ما را نگران کرده بود که شاید نتوانیم پاویون هنر ایران را در این فرصت ناب دیده شدن برپا کنیم اما اتفاقا هجوم تحریم‌های ناجوانمردانه باعث شد عزم‌مان را جزم کنیم تا در این روزگار سرنوشت‌ساز به دنیا یادآور شویم، ایران اسلامی مهد هنر خاورمیانه است و نمی‌توان با حصار تحریم، خورشید درخشان فرهنگ و هنرش را به محاق برد.

به لطف خداوند منان، تلاش‌های چند ماهه تیمی قوی و کاربلد، پاسخ داد و با حضور حمایت‌کننده مالی این اتفاق مهم رخ داد. تاکید دارم این دوره در میان همه حضورهای ایران در این المپیک هنری متمایز و خاص است؛ برای این مهم دو مولفه مشخص دارم:

نخست: به جهت شرایط بسیار ویژه سیاسی این روزها، یقین دارم نخستین گمانه‌ها این خواهد بود که با وجود تحریم‌ها و مشکلات عدیده مالی، پاویون هنر ایران در بی‌ینال ونیز حاضر است، از این رو به حتم این بار بیش از همیشه هنر ایران مورد توجه خواهد بود.

دوم موقعیت مکانی ممتاز پاویون ایران در این دوره است. همواره یکی از پاشنه آشیل‌های غرفه ایران در بی‌ینال ونیز مکان‌های دور از دسترس آن بوده که بسیاری از علاقه‌مندان را از تماشای هنر ایران محروم می‌کرد.

متاسفانه ایران در باغ‌های اصلی بی‌ینال، جیاردینی و آرسناله فاقد پاویون اختصاصی است و هر بار مجبور است مکانی را اجاره کند.

در دوره‌های گذشته در اختیار گرفتن مکانی که به این باغ‌ها نزدیک و در دسترس گردشگران هنری باشد، ممکن نشده اما این بار در نقطه مرکزی ونیز، میدان سان مارکو هستیم، در دسترس همه مشتاقان هنر.

خرسندم که به لطف خرد جمعی هنرمندانی ارزشمند، نمایشگاه تامل‌برانگیز و جذاب از هنر ایران در ونیز ارایه خواهیم داد که نشان می‌دهد نبض هنر معاصر خاورمیانه در اینجا می‌تپد و حضور سه هنرمند از نسل‌های مختلف به دنیا یادآوری می‌کند، هنر با زندگی ایرانیان عجین است و سختی‌ها و تلخکامی‌ها نمی‌تواند ما را از دنیای پیشرو دور کند. «از بودن و سرودن» رویکرد موضوعی ما در این بی‌ینال جهانی است، تمی که شخصیت والای ایرانی را بار دیگر به دنیا یادآوری می‌کند، هر سه اثر سه هنرمند کشورمان از عشق، زندگی و زیبایی می‌گوید و به مردم دنیا پیشنهاد می‌دهد دوباره به اطراف خود بنگرند و برای زندگی بهتر معنای هستی را دریابند. فرم و شیوه ارایه این آثار، معاصر و منطبق با زبان جهانی هنر است اما در ساحت متن و مفهوم شرقی و معناگراست چنان‌که از این سرزمین انتظار می‌رود.

امیدوارم این تلاش مجدانه جمعی، بال پروازی تازه برای هنر ایران به ارمغان آورد و هنر هنرمندان این سرزمین، به جهان یادآوری کند «ایران» را دوباره و چندباره و از منظر هنر تماشا کند و به احترامش کلاه از سر بردارد.

مدیرکل هنرهای تجسمی و کمیسیونر پاویون ایران در بی‌ینال ونیز

پوستر پنجاه و هشتمین بی‌ینال هنر ونیز

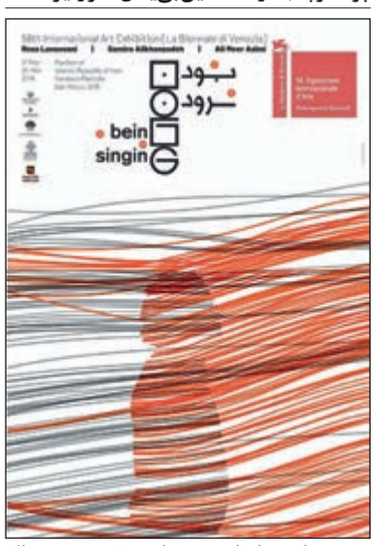

پوستر پاویون ایران در پنجاه و هشتمین بی‌ینال هنر ونیز

طراح: رضا عابدینی